

# مهارت چهارم از انشای ساده شروع می شود

گفت و گو: سعید زاهدیان

## کفّت و گو با علی اکبر کمالی نهاد، معلم و پژوهشگر استان مرکزی

### اشاره



علی اکبر کمالی نهاد: پژوهشگر برتر استان مرکزی در بخش کارشناسان و کارمند نمونه استان در سال ۸۹ دارای ۱۶ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش و مؤلف بیش از هفت عنوان کتاب در حوزه ادبیات و داستان و شعر است. او که دبیر همایش های مختلفی در سطح کشور و استان مرکزی بوده است، می تواند نمونه خوبی برای معلمان جوان باشد. مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی مرکز تربیت معلم دانشگاه شهید باهنر اراک، آدم خوش صحبت و البته بی آلتی است. از او می خواهیم که بدون تعارف و رودربایستی گپ و گفت کوتاهی با ما داشته باشد؛ ما در نقش شاگرد و او در مقام معلم با این قول و قرار، مصاحبه را شروع می کنیم و این بار ما می پرسیم و ایشان به سؤال های ما خیلی خوب و جامع پاسخ می دهد.

• شما دانشجوی دکتری هستید. یک آدم چطور می تواند کارمند نمونه، معلم نمونه در بخش شغلی و یک انسان نمونه باشد و در کنار تمام گرفتاری ها و مشغله های کار و زندگی، درس هم بخواند و در جهت ارتقای علمی خود قدم بردارد؟  
• به قول ابوسعید ابی الخیر ما این همه نیستیم و شما نسبت به ما لطف دارید. اگر برنامه ریزی باشد و کارها را جفت و جور کنیم، مشکلی پیش نمی آید. به خاطر مشغله و کار، بین فوق لیسانس و دکتری چندسالی فاصله افتاد اما با برنامه ریزی و هدف در آزمون دکتری شرکت کردم و رتبه اول دکتری شدم. در سال ۱۳۸۱ فوق لیسانس گرفتم و تا سال ۸۹ در درس خواندن من وقفه پیش می آمد. دلیلش هم کار و حضور در دانشگاه و تدریس و کارهای جانبی مثل حضور در انجمن های ادبی بود. مسئولیت اتحادیه ادبیات یا مسئولیت انجمن ادبیات استان باینده است

و در کنار آن کارهای دیگری نظیر تألیف کتاب داشتم که سرم را خیلی شلوغ کرده بود. شما بهتر می دانید که قبول شدن در مقطع دکتری به مطالعه نیاز دارد اما از آنجا که سابقه علمی من خوب بود و یک سالی هم مطالعه کردم، در نهایت قبول شدم و تا الان هم خدا را شکر همه چیز خوب پیش رفته است و مشغول تحصیل هستم.

• با این همه مشغله، چند ساعت در شبانه روز می خوابید؟

• فکر می کنم حداکثر شش ساعت باشد؛ البته اگر خوب بخوابم. اما بعضی مواقع بین دو تا چهارونیم ساعت می شود. ساعت شش صبح بیدار می شوم و ساعت هفت سر کارم هستم. شب هم تا ساعت یک شب مشغول مطالعه ام و کار و برآستاری نشریات را انجام می دهم یا مقاله می نویسم و تحقیق می کنم. کارهای متفرقه هم هست اما مطالعه از هر چیزی مهم تر است و باید هر شب باشد.

• یک فرد چطور به کارمند و معلم نمونه تبدیل می شود؟ آیا برای این کار برنامه ریزی می کند یا ناخود آگاه یک روز متوجه می شود که به این رتبه رسیده است؟

• این طور نیست که آدم از قبل دنبال نمونه شدن باشد. یک شاعر یا داستان نویس ممکن است برنده جایزه ادبی هم شود اما او که از ابتدا با هدف گرفتن جایزه به سمت شعر و داستان نرفته است. مثلاً در جشنواره خوارزمی شاگردهای ما شرکت می کنند و برای راهنمایی پیش ما می آیند و دغدغه دارند که اگر برنده نشوند، دنیا به پایان می رسد. من به آنها می گویم که اگر برای برنده شدن در جشنواره و گرفتن جایزه، داستان و شعر می گویند، از همین حالا این کار را کنار بگذارید؛ چون شعر و داستان کار دل است و برنامه می خواهد.

در واقع اگر آدم برای خودش تلاش کند، ناخود آگاه جایزه و مقام هم در پی آن می آید. به قول ما ادیبانی ها چون که صد آمد نود هم پیش ماست... اگر علاقه مندی باشد و در کنارش برنامه ریزی و نظم وجود داشته باشد، خدا توفیق می دهد و کارمند نمونه شدن و افتخار هم به دست می آید.

• تعریف شما از معلم نمونه چیست؟ یا به عبارتی، از نظر شما معلم نمونه چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

• یک معلم نمونه باید به رشته و تخصص خود عشق و علاقه داشته باشد و در این راه کم نگذارد؛ یعنی، خودش را به روز نگه دارد، با عشق و علاقه سر کلاس برود و دانش آموز خود را از جان و دل دوست داشته باشد و با او صمیمی باشد. معلمی که خود را متعهد بداند که اطلاعاتش را ارتقا دهد تا بتواند مفاهیم بهتری را به دانش آموزان انتقال بدهد، یک معلم نمونه و خوب است.

• شما به عنوان معلمی برجسته، چه روش هایی برای تدریس دارید؟ از جایی الگو می گیرید یا مثلاً مطالعه می کنید که در دنیا به چه روش هایی تدریس می شود و آنها را با توجه به فرهنگ خودمان به کار می گیرید؟

• من در تدریس ابتدا سعی کردم هر آنچه را از دیگران آموختم، گلچین کنم. اگر در یک سخنرانی شرکت می کنم، به این نکته توجه دارم که کدام ویژگی سخنران برایم جذاب است و همان ها را به کار می گیرم از جمله مسائلی که به آن اهمیت می دهم، استفاده از فناوری های نوین است. همواره سعی کرده ام از این موضوع به بهترین نحو استفاده کنم تا کلاس های درسم برای دانش آموزان جذاب تر شود. وقتی در کلاس نرم افزار یا برنامه ای را برای دانش آموزان به نمایش می گذارم، کاملاً متوجه می شوم که کلاس جذاب تر می شود و بچه ها با علاقه

### رشد معلمان با مجلات رشد

معلمان با مجلات رشد انس خاصی گرفته‌اند و این مجلات در خانواده آموزش و پرورش ریشه دوانده است؛ معلمان، آنها را متعلق به خودشان می‌دانند. بارها دیده‌ام که معلمان در وقت‌های آزاد خود مجله‌ها را با دقت مطالعه می‌کنند. در بسیاری موارد، مطالب و مقالات مجلات رشد شک و شبهه‌های معلمان را برطرف می‌کند. این مجلات چون ریزترین مسائل درسی و آموزشی را تحلیل می‌کنند، در میان معلمان جایگاه علمی ویژه‌ای دارند. اما پیشنهادی برای دوستان دست‌اندرکار مجلات دارم. از آنجا که ۲۵ سال از عمر این نشریات می‌گذرد، دوستان باید توجه ویژه‌ای به سطح علمی آنها داشته باشد. الان من معلم ۱۶-۱۵ سال قبل نیستم و دوست دارم از مجلات رشد چیزهای عمیق‌تری به دست بیاورم. این مجله همان‌طور که برای معلمان جوان باید جذابیت و تازگی داشته باشد، لازم است به معلمی هم که دارای بیست سال سابقه تدریس است، چیزهای جدیدی ارائه کند. در واقع، مجلات رشد هم باید دسته‌بندی خاص خودش را داشته باشد و بتواند هر طیفی را پوشش دهد.

### کتاب‌های جدید برای نسل جدید

کتاب‌های درسی بی‌عیب نیستند اما در مجموع خوب‌اند. تغییراتی که در کتاب‌ها ایجاد شده، در مجموع مثبت بوده است و مؤلفان روند خوبی را در پیش گرفته‌اند. نگاه مذهبی و دینی که در متون درسی وارد شده، از جمله همین نکات خوب است. جریان‌های نوین ادبی و تازه‌های ادبیات گنجانده شده است اما به خاطر محدودیتی که مؤلفان به لحاظ فضا و حجم کتاب‌ها دارند، جای برخی شعرای جدید و حتی نویسندگان قدیم خالی است. عمر کتاب‌های درسی ۱۰ سال است. من به عنوان یک معلم وقتی کتابی را درس می‌دهم، بعد از چند سال، دیگر آن کتاب چیز تازه‌ای برای خودم ندارد. وقتی تغییراتی ایجاد می‌شود، خود ما هم نکات جدیدی یاد می‌گیریم. شاید چنین تصور شود که این تغییرات برای معلمان مشکلاتی به وجود می‌آورد اما من معتقدم که اتفاقاً این خوب است و ما می‌توانیم با کمی مطالعه خودمان را با کتاب‌های جدید وفق دهیم. با نظام آموزشی جدید (۳-۳-۶) تغییرات مثبت دیگری هم در کتاب‌ها خواهیم داشت و تا آنجا که کم و بیش در جریان هستم، روند رو به رشدی در پیش گرفته شده است. دانش‌آموزان نسل جدید به واسطه فناوری و عصر ارتباطات از سطح دانش بالاتری برخوردارند و همین مسئله ایجاب می‌کند که کتاب‌های درسی هر چند دوره یک بار به روز رسانی شوند.

کنم الان زمان این کار فرا رسیده است. تا زمانی که ما به نوشتن نپردازیم و به مهارت چهارم زبان، که «خلق اثر با آن زبان است، توجه نکنیم و قلم ما روان نشود، نمی‌توانیم کتاب یا مقاله بنویسیم و اثری را خلق کنیم. می‌توانیم از انشاهای ساده و مقاله‌ها و خاطره‌نگاری‌ها شروع کنیم و در نهایت به کتاب برسیم، به نظر من، در کار نوشتن باید به این جمله معروف نظامی توجه کنیم «کار نیکو کردن از پر کردن است»؛ تمرین و تکرار کارها را بهتر می‌کند. همین الان، وقتی من به کتاب اولم نگاه می‌کنم، احساس می‌کنم نسبت به امروز چقدر ضعیف بوده‌ام. در واقع مطالعاتم بیشتر شده است که چنین احساسی دارم. تألیف کتاب برای ما معلمان چیز غریب و دور از دسترسی نیست اما بعضی از دوستان این جسارت و شهامت را به خرج نمی‌دهند. شاید خیلی از آنها در زمینه کاری خود صاحب‌نظر باشند و بخواهند نگاهشان را به جامعه اشاعه دهند اما جسارت و شهامت لازم برای تألیف کتاب را ندارند.

● چقدر اعتقاد دارید که چوب معلم گل است؟  
○ خیلی زیاد... در واقع چوب معلم یعنی دلسوزی او؛ توجه به آینده دانش‌آموز و عشق و علاقه به موفقیت او باعث می‌شود معلم مثل پدر رفتار کند. اخم معلم، قهر معلم و همه سختگیری‌های او از سر دلسوزی و آینده‌نگری است. دانش‌آموزان همیشه به من می‌گویند که استاد! شما سخت‌گیرید؛ ولی خودم چنین احساسی ندارم؛ چون می‌گویم بعداً متوجه می‌شوند که این سخت‌گیری باعث موفقیتشان شده است. البته خود معلم هم در سخت‌گیری متحمل درد و رنج زیادی می‌شود اما وقتی آینده دانش‌آموز را در اولویت قرار می‌دهد، به سادگی از کنار مسائل عبور نمی‌کند.

● تا به حال کسی را تنبیه کرده‌اید؟

○ نه... در حد جریمه بوده است تا دانش‌آموز متوجه اشتباه خود شود. روح معلم خیلی بالاتر از این حرف‌هاست و همه ما معتقدیم که معلمی شغل انبیاست.

بیشتری به موضوع توجه می‌کنند. این را همیشه به معلمان دیگر و سایر همکارانم پیشنهاد کرده‌ام که از فناوری در کلاس‌ها استفاده کنند. در دانشگاه درسی با عنوان کاربرد نرم‌افزارهای رایانه‌ای در ادبیات را تدریس می‌کنم. برای این کلاس از چهار ماه قبل شاید حدود ۶۰ مورد نرم‌افزارهای موجود را به هر ترتیبی جمع کردم. از تهران سفارش دادم؛ در اینترنت جست‌وجو کردم و خلاصه این برنامه‌ها را به دست آوردم. سر کلاس استقبال خیلی خوبی از این کار می‌شود. بعد کلاس هم مراجعه می‌کنند و دنبال گرفتن نرم‌افزارها هستند. چون شاگردان این کلاس خودشان معلم هستند، می‌خواهند از روش‌های نوین و فناوری روز در مدارس استفاده کنند. به این ترتیب، دانش‌آموزان آنها هم به نوعی با این فناوری‌ها آشنا می‌شوند.

● آیا هم‌اکنون مدارس کشور این امکان را برای معلمان فراهم می‌کنند که در کلاس‌های درس از فناوری استفاده کنند؟

○ اگر معلم بخواهد، حتماً مدارس هم شرایط را فراهم می‌کنند. نباید بنالیم که چرا امکانات نیست؛ چرا فلان چیز و بهمان چیز وجود ندارد این ما معلمان هستیم که اگر بخواهیم، می‌توانیم از حداقل امکانات بهترین بهره‌وری را داشته باشیم. سال گذشته بحث هوشمندسازی مدارس مطرح شد و الان ۲۰ درصد مدارس مجهز شده‌اند. یک رایانه با چند برنامه در تمام مدارس وجود دارد. حتی اگر در کلاس چنین چیزی نباشد، می‌توان دانش‌آموزان را به کارگاه برد یا از خود بچه‌ها خواست که اگر وسیله‌ای دارند، برای کمک به کلاس بیاورند. اگر معلم بخواهد، شرایط برای استفاده از فناوری مهیا می‌شود.

● شما چند کتاب هم تألیف کرده‌اید؛ برای همکاران خودتان توضیح بدهید که یک معلم چگونه تبدیل به نویسنده می‌شود؟

○ می‌گویند «هم سؤال از علم خیزد هم جواب». من باید ابتدا سطح علم و دانش خود را به جایی برسانم که بعد احساس